

## «درباره‌ی کتاب «آیا آموزش می‌تواند جامعه را تغییر دهد؟»

عبدالله رضایی، معلم



تمامی این برنامه‌ها و جنبش‌ها حاکی از آن‌اند که مدارس می‌توانند هم مکان و هم ابزاری برای «ساختن زندگی باشند، زندگی‌ای که بیش‌تر درخور شأن‌آن‌هاست. این برنامه‌ها مردم را مصرف‌کنندگانی نمی‌دانند که به‌واسطه‌ی آنچه می‌خرند شناخته می‌شوند، بلکه آن‌ها را انسان‌هایی می‌دانند که با احساس مسئولیت مشترک به‌صورت دسته‌جمعی برای ساختن حال و آینده همکاری می‌کنند. آیا آن‌ها گاهی تا حدی آرمان‌گرا و خیال‌پردازند؟ شاید. اما آن‌ها با پذیرفتن این مطلب که آموزش می‌تواند برای تغییرات فردی و اجتماعی به کار برود، دوباره به سنتی دیرینه از رؤیاهای و مبارزات وصل می‌شوند که بخشی از مطالب این کتاب را تشکیل خواهد داد.» (ص 23)

درباره‌ی نویسنده

مایکل دبلیو. اپل (زاده‌ی 1942) از نظریه‌پردازان برجسته‌ی آموزش، سیاست فرهنگی، آموزش انتقادی و دموکرات‌سازی آموزش است. او استاد برنامه‌ی درسی و سیاست‌های آموزشی در دانشگاه آموزش و پرورش ویسکانسین-مدیسون است. او همچنین سال‌ها به‌عنوان رئیس اتحادیه‌ی معلمان فعالیت کرده است. اپل بیش از سه دهه است که با معلمان، کنشگران، اتحادیه‌ها و گروه‌های منتقد سراسر جهان در زمینه‌ی دموکرات

سازی سیاست‌های آموزشی همکاری کرده است. خوشبختانه تاکنون سه عنوان از کتاب‌های او به فارسی ترجمه شده است

آیا آموزش می‌تواند جامعه را تغییر دهد؟؛ ترجمه‌ی نازنین میرزابیگی؛ نشر آگاه؛ چاپ اول: 1395  
دانش رسمی: آموزش دموکراتیک در عصر محافظه‌کاری؛ ترجمه‌ی نازنین میرزابیگی؛ نشر آگاه؛  
چاپ اول: 1398

آموزش و پرورش و قدرت؛ ترجمه‌ی هادی جلیلی؛ انتشارات فرهنگ جاوید؛ چاپ اول 1400

\*\*\*

مایکل اپل متفکر و کنشگری است که به گواه آثار و فعالیت‌هایش، همواره، در پی خلق ارتباطی پایدار بین فکر و عمل بوده است. از این رو او همیشه در جستجوی خود برای یافتن پاسخ‌های پرسش‌های نظری‌اش به تجارب، سنت‌ها و مبارزات مشخص‌معلمان و کنشگران آموزشی سراسر جهان رجوع کرده است. او در کتاب «آیا آموزش می‌تواند جامعه را تغییر دهد؟» نیز بدین‌طریق به تأمل در باب تجارب معلمان و کنشگران و نظریه‌پردازان پیرداخته است. که آموزش را همچون محملی برای خلق تغییرات مترقی و برابری خواهانه در جامعه نگریسته‌اند. او در همان آغاز کتاب، ضمن اشاره به بحران آموزش در سراسر جهان معاصر، شکاف در پیشرفت تحصیلی و افزایش نابرابری‌های اقتصادی و آموزشی، چنین می‌نویسد: «آیا آموزش در به چالش کشیدن این موقعیت و مشارکت در ساختن جامعه‌ای که ارزش‌های کمتر خودخواهانه و از لحاظ فردی و اجتماعی بیشتر رهایی‌بخش ما را بازتاب می‌دهد، نقش بنیادینی بازی می‌کند یا نه؟ در این کتاب به‌طور جدی به این پرسش پرداخته می‌شود». به باور اپل دو گرایش عمده در جهان معاصر به این پرسش پاسخ‌های مثبت اما متفاوتی می‌دهند: اولی جریان‌ی است که در همه‌ی جهان به «نئولیبرالیسم» معروف شده است و در پی خصوصی‌سازی و کالایی‌سازی آموزش است و بدین‌طریق برای تعمیق نابرابری‌های موجود می‌کوشد که خصلت نابرابر جهان کنونی را به سطوح باز هم بی‌سابقه‌تری دگرگون کند. این جریان با تحمیل ایده‌های خود به عرصه‌ی عمومی و اغلب فعالین و سیاست‌گذاران آموزشی می‌کوشد از مدارس همچون سنگر آغازینی برای کالایی‌سازی کل جامعه و آحاد آن بهره گیرد. اپل تجارب نئولیبرالی در مدارس آریزونا را مثال بارز این جریان راست‌گرا می‌داند. جبهه‌ی دوم جریان‌ی است که جامعه را نه ساختاری طبیعی که برساخته‌ای تاریخی و محصول کنش‌های آدمیان می‌داند. نکته‌ی اساسی در همین تأکید بر وجه «تاریخی» جامعه و وضع

موجود نهفته است. اگر جامعه را از منظری تاریخی بنگریم این بدان معناست که وضعیت کنونی آن را نه امری طبیعی، اجتناب‌ناپذیر و محتوم بلکه محصول فرایندهای تاریخی مختلفی می‌دانیم که به واسطه‌ی کنش‌های آدمیان و مقاومت یا عقب‌نشینی‌آنان تحکیم شده است. اگر جامعه را پدیده‌ای «طبیعی» بدانیم دیگر نمی‌توان از چیزی به‌نام «تغییر» یا «تغییر جامعه»، با بی‌واسطه‌ی آموزش، حرف بزنیم. در این حالت جامعه، همچون توالی طبیعی و ناگزیر فصل‌ها، پدیداری

است و رای دسترس‌یکش‌های دگرگونی‌آفرین انسان‌ها. جبهه‌ی دوم، ازین‌رو، جامعه‌ی‌نا برابر کنونی را محصولی تاریخی و غیرطبیعی می‌داند که به‌واسطه‌ی کنش‌ها، سیاست‌ها و دستورکارهای مشخصی تولید و بازتولید شده است. این نابرابری از آنجا که امری تاریخی است، قابل‌تغییر نیز هست. به‌واقع در متن چنین نگرشی است که می‌توان پرسش نسبت آموزش و تغییر جامعه را طرح کرد. شاید درس بزرگی که مایکل اپل در این کتاب به ما می‌دهد این است که پاسخ نهایی این پرسش، که نام کتاب هم از آن برگرفته شده، منوط به خود ما، کنش‌هایمان و کیفیت آنهاست: «در واقع در خلال نوشتن فصل‌های این کتاب متوجه شدم که هیچ پاسخی‌ای وجود ندارد، مگر این که بخواهیم خود را با چیزی همچون گفته‌ی زیر قانع کنیم: "بستگی دارد. یعنی به تلاش‌های مداوم و خستگی‌ناپذیر تعداد زیادی از افراد وابسته است". ممکن است این مسئله برای شما و مسلماً برای من ناامیدکننده باشد، اما حقیقت دارد». او در ادامه می‌افزاید: «نمی‌توانم ادعا کنم که درباره‌ی همه‌ی ملت‌ها و همه‌ی زمان‌ها صحبت می‌کنم. خواننده بهتر است کار عادی خود را انجام دهد— یعنی بپرسد که آیا نظریات، مثال‌ها و بحث‌هایی که در این‌جا ارائه داده‌ام با واقعیت خود.» او و جامعه‌اش مطابقت دارد یا نه.

### مخلص کلام

به باور مایکل دبلیو. اپل آموزش می‌تواند جامعه را تغییر دهد. اما کیفیت و ماهیت این تغییر، بسته به شرایط هر مورد مشخص، متفاوت خواهد بود. آموزش قطعاً قادر به تغییر جامعه است اما چه تغییری؟ تغییری که همچون مورد، نیواورلئان آمریکا بر عمق و گستره‌ی نابرابری‌ها می‌افزاید یا تغییری که همچون تجربه‌ی شهر پورتو آلگروهی برزیل جهانی برابرتر، آزادتر و انسانی‌تر خلق می‌کند؟ درس یا حرف اصلی مایکل اپل این است: پاسخ نهایی به شرایط موجود هر جامعه و کیفیت کنش‌های خود ما بستگی دارد. در این راه، بازخوانی تجارب دیگران در سراسر جهان، البته، ضرورتی انکارناپذیر است.